

شناسایی عوامل تاثیرگذار بر بازیابی کارآفرینان دارای تجربه شکست

علیرضا فریدونی^۱، مرتضی موسی‌خانی^۲، کمال سخدری^{۳*}، محمد عطائی^۴

^۱دکتری، گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲استاد، گروه مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

^۳استادیار، گروه کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۴استادیار، گروه مدیریت، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: مرداد ۱۳۹۹، اصلاحیه: مهر ۱۳۹۹، پذیرش: آبان ۱۳۹۹

چکیده

کارآفرینانی که با شکست مواجه می‌شوند؛ عملکردهای متفاوت دارند. برخی از غم و اندوه و عواقب آن رهایی یافته و اقدام مجدد کارآفرینانه انجام می‌دهند؛ برخی دیگر در غم فرو رفته و مسیر دیگری انتخاب می‌کنند. کارآفرینان پس از شکست چگونه بازیابی می‌کنند؟ در این پژوهش تلاش نموده ایم تا با بهره‌گیری از تجربه کارآفرینان دارای تجربه شکست عوامل تاثیرگذار بر بازیابی ایشان را شناسایی نماییم. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و استراتژی پدیدارشناسی انجام شده است. این استراتژی با توجه به اصول هستی‌شناختی خود تا حد امکان بر تجربه‌های دست اول یا تجربه‌زیسته متمرکز می‌باشد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۸ نفر از کارآفرینان دارای تجربه شکست که کسب و کار جدیدی را شروع نموده‌اند انجام شده است. چهار تم خانواده، تعاملات اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حواس پرتی که از ده جزء تشکیل شده‌اند در کنار عوامل فردی در بازیابی فرد تاثیرگذارند. با توجه به نتایج تحقیق شایسته است آموزش‌های لازم برای کارآفرینان در مقاطع مختلف صورت پذیرد تا درک مفهوم شکست و شناخت آن بعنوان یک رخداد قابل پذیرش همراه کارآفرینی، در ایشان تقویت گردد. همچنین، توسعه مهارت‌های لازم فردی در جهت یادگیری از پدیده‌ها و بازیابی از رخدادها در دستور کار متولیان قرار گیرد.

واژه‌های اصلی: شکست کارآفرینی، حیات پس از شکست، بازیابی

فرآیندی که می‌تواند موجب اقدام مجدد فرد کارآفرین گردد حیاتی است.

۱- مقدمه

بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های جدید شکست می‌خورند [۱۷] و [۳۴]. اثرات شکست کسب و کار بر روی فرد کارآفرین، پیچیده و مسلماً متناقض است. در عین حال ممکن است شکست به یک فرصت یادگیری بالقوه ارزشمند برای کارآفرینی که در یک کسب و کار شکست خورده سرمایه‌گذاری کرده منجر شود [۱۸]. با توجه به اهمیت و ضرورت کارآفرینی و نیز آمار قابل توجه شکست کارآفرینان در دنیا یکی از ضرورت‌های بسترهای رشد، خلاقیت و کارآفرینی در جامعه، نقد و تحلیل فرآیند یاد شده و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر بازیابی است. این نقدها جامعه را هر چه بیشتر برای ظهور کارآفرینان بالقوه با احتمال موفقیت بالاتر آماده می‌کند و به این ترتیب از رشد بی‌تفاوتی، بوج‌گرایی و نگرش‌های منفی نسبت به کسب و کار و حتی فرار مغزها و مهاجرت فیزیکی جلوگیری کرده و همچنین به اثربخشی بیشتر حمایت‌های دولت در این زمینه کمک می‌کند [۱]. در این راستا درک آنچه بر فرد کارآفرین پس از شکست می‌گذرد و آن چیزی که از شکست می‌آموزد و چگونگی یادگیری او همچنین مسیر بازیابی و

۲- چهارچوب نظری

شکست کارآفرینی به چه معناست؟ ارائه یک تعریف روشن از شکست حداقل به دو دلیل اهمیت دارد: نخست ایجاد قابلیت تطبیق در طی مطالعات، دوم اینکه ماهیت تعریف بکار گرفته شده بر نتایج و فرآیند مشاهده محققین تأثیر خواهد گذاشت [۳۲]. تعاریف شکست را می‌توان در قالب سه دیدگاه دسته‌بندی کرد: دیدگاه اول شکست را معادل تعطیل شدن و انحلال کسب و کار می‌داند، براساس این تعریف هر کسب و کاری که از ادامه‌ی فعالیت خود دست برداشته و منحل شود، شکست خورده تلقی می‌شود. این دیدگاه با انتقادهای زیادی رو به رو است، زیرا بر اساس این دیدگاه هر کارآفرینی که یک کسب و کار را منحل کند، ناموفق قلمداد می‌شود. در حالی که دلایل فراوانی از جمله: پایان زمان مأموریت و دستیابی کامل به اهداف

*kasakhdari@ut.ac.ir

عدم وجود یا ناکافی بودن طرح تجاری، تحقیقات نارسا، و نداشتن اهداف تجاری مشخص مرتبط است. چهارمین دلیل شکست مرتبط با رهبری است. پنجمین دلیل شکست تمرکز بر محصول یا خدمات ارائه شده توسط شرکت دارد. در نهایت عوامل نامطلوب محیط بیرونی برای شرکت می‌تواند به شکست منجر گردد.

شکست نتایجی دارد که اثر آن در کوتاه مدت بر فرد کارآفرین بروز می‌نماید از آن به‌عنوان هزینه‌های شکست یاد می‌شود. شفرد و همکاران [۲۵] بیان می‌کنند که "هزینه‌های شکست نتایج منفی کسب و کار است که بر کارآفرین تأثیر می‌گذارد، بر اساس بررسی، هزینه‌های اولیه شکست به‌عنوان مالی، اجتماعی و روانی طبقه‌بندی شده است".

هزینه‌های مالی شکست: کوپ [۹] معتقد است، برای برخی کارآفرینان هزینه‌های مالی شکست ممکن است بصورت بدهی شخصی باشد که تسویه آن چند سال طول بکشد. شکست به احتمال زیاد تحمیل یک هزینه مالی بشکل از دست رفتن یا کاهش درآمد شخصی کارآفرین است. شفرد و همکاران [۲۵] به این نتیجه رسیده‌اند که "در صورت شکست کسب و کار، کارآفرینان ممکن است هزینه‌های مالی قابل توجهی را متحمل شوند. با این وجود، با توجه به در دسترس بودن گزینه‌ها (به‌عنوان مثال، اشتغال و یا دیگر سرمایه‌گذاری‌ها)، آنها نیز ممکن است با آمادگی بیشتر قادر به تحمل این هزینه شوند".

هزینه‌های اجتماعی شکست: شکست می‌تواند به هزینه‌های اجتماعی در ارتباط با تأثیر آن بر روابط شخصی و حرفه‌ای منجر شود. سینگ و همکاران [۲۸] به فروپاشی ازدواج و بن‌بست ارتباطات در شرایط شکست اشاره کرده‌اند. کیفیت ارتباطات پس از شکست می‌تواند به‌عنوان نتیجه یک ننگ مرتبط با شکست کاهش یابد. شفرد و همکاران [۲۵] اشاره می‌کنند که "با تجزیه و تحلیل روزنامه‌های عمده آمریکا که شکست‌های کسب و کار را گزارش می‌کنند، کاردون و همکاران [۶] اشاره کرده‌اند که اثر مکرر گزارش شده شکست ایجاد حس ننگ در اطراف کارآفرینی است که تجربه شکست داشته است".

هزینه‌های روانی شکست: شفرد و همکاران [۲۵] اظهار می‌کنند "بررسی در ادبیات نشان می‌دهد که دو هزینه وابسته به هم روانشناختی مرتبط با تجربه کارآفرینان از شکست کسب و کار وجود دارد: عاطفی و انگیزشی". تعدادی از احساسات منفی، از جمله درد، ندامت، شرم، تحقیر، خشم، احساس گناه، همچنین سرزنش و ترس از ناشناخته‌ها به شکست کسب و کار مرتبط شده‌اند [۲۸ و ۲۴ و ۹ و ۸]. شفرد [۲۴] بر غم و اندوه به‌عنوان یک اصطلاح فراگیر توصیف‌کننده تعدادی از احساسات منفی حاصل از زیان‌های مرتبط با شکست متمرکز شده است؛ غم و اندوه واکنش منفی عاطفی به از دست دادن یک کسب و کار توانایی ایجاد علائم رفتاری، تجربی و فیزیولوژیکی را داراست.

سومین گروه مطالعات مرتبط با پیامدهای شکست است که حیات پس از شکست کارآفرین را شکل می‌دهد. پیامدها اثرات بلند مدتی است

و هم چنین مشکلات، شخصی-مدیریتی، برای منحل شدن یک کسب و کار وجود دارد [۱۷].

دیدگاه دوم تعریف دقیق‌تری از شکست ارائه داده و آن را معادل شکست تجاری می‌داند. این تعریف به کسب و کاری اشاره دارد که به اهداف نرسیده و ورشکست شده و در نتیجه مجبور می‌شود بر خلاف تمایل خود از ادامه‌ی فعالیت دست کشیده و به انحلال تن دهد [۲۸]. شفرد [۲۴] نیز اعتقاد دارد شکست کارآفرینانه زمانی رخ می‌دهد که درآمدهای سازمان به شدت کم شده و یا هزینه‌های آن به قدری زیاد شود که شرکت ورشکست شده و امکان ادامه‌ی فعالیت آن با مالکیت و مدیریت فعلی وجود نداشته باشد. آخرین دیدگاه شکست را لزوماً به معنای انحلال کسب و کار تلقی نکرده، بلکه از شکست به‌عنوان دست نیافتن کارآفرینان به اهداف تعیین شده در زمان تأسیس یا مدیریت کسب و از خود یاد می‌کند.

بررسی ادبیات بیانگر تلاش محققان برای شناسایی پدیده شکست و حیات پس از آن منجر به انجام پژوهش‌هایی در سه زمینه گردیده است: علل^۱ شکست، نتایج^۲ شکست، بازیابی^۳ و حیات پس از شکست^۴ (پیامدهای^۵ شکست).

به‌منظور شناسایی دلایل شکست مطالعات متعددی بر مستندسازی دلایل شکست متمرکز شده‌اند [۵]. منطق اساسی آن دانستن این است که چرا شکست شرکت‌ها می‌تواند احتمال شکست‌های آتی را به حداقل برساند [۲]. شناسایی دلایل مهم است زیرا تعداد بالای شکست کسب و کار تأثیر منفی بر اقتصاد ملی، نرخ اشتغال داشته همچنین می‌تواند منجر به پیامدهای منفی برای اشخاص کارآفرین گردد [۳]. سینگ [۲۷] معتقد است "در مجموع تحقیقات روی شکست‌های کارآفرینی رو به افزایش است؛ ولی تحقیقات روی شکست به مراتب کمتر از تحقیقات به دنبال موفقیت می‌باشد. به نظر می‌رسد شناسایی دلایل شکست دیدگاه غالب انتخاب شده در تحقیقات است". شناسایی دلایل و ریشه‌های شکست کسب و کارهای کارآفرینانه کاربردهای اساسی شامل: تقویت قابلیت تطبیق‌پذیری کارآفرینان، ایجاد فضای مناسب برای یادگیری از شکست‌ها و خطاها، فراهم کردن محتوای علمی-کاربردی لازم برای سیاست‌گذاری توسعه و پایداری کسب و کارهای کوچک، متوسط و با رشد سریع دارد. سینگ [۲۷] دلایل شکست را در شش گروه دسته‌بندی نموده است. اولین دلیل ناشی از مشکلات مالی، شامل سرمایه ناکافی راه‌اندازی شرکت، محدودیت‌های نقدینگی، مسائل مربوط به مدیریت بدهی است. دومین دلیل شکست مشکلات با کارکنان و مشتریان است که منتهی به شکست سرمایه-گذاری می‌شود. سومین دلیل شکست با مباحث برنامه‌ریزی از جمله

1 causes

2 consequence

3 recovery

4 Life after Failure:

5 outcomes

آغاز شد [۱۲]. بنابراین، محققان شروع کردند به مطالعه آنچه که این کودکان را دارای قابلیت برگشت به قبل ساخته، با نگاه کمک به ایجاد پیشگیری، مداخله، و سیاست های اجتماعی [۱۲]. با گذشت زمان، این ایده برای جلوگیری از پیامدهای منفی و ترویج رفاه موجب شد محققان به بررسی "بازیابی" در میان افراد بزرگسال بپردازند [۲۷]. جای تعجب نیست، ادبیات "بازیابی" گسترش یافت و طیف گسترده ای از عوارض جانبی، استرس زا و مخرب تغییر زندگی را شامل شد. هدف آن "هموار کردن راه برای مداخله" و جلوگیری از "نتایج نامطلوب از شرایط نامطلوب" است. کارآفرینان با دانش تجربی از شکست و هوشیاری بیشتر نسبت به فرصت های جدید، در شروع و رشد سرمایه گذاری های جدید با احتمال بیشتری موفق می شوند [۸]. براساس ادبیات پژوهش و آنچه که شرح آن بیان گردید تاکنون محققان بیشتر بدنمال شناسایی علل و عوامل شکست همچنین شناسایی نتایج و پیامد های آن بوده اند و کمتر به روشهای بازیابی پرداخته اند بویژه در کشور ایران که پژوهش قابل استنادی در زمینه بازیابی پس از شکست در دسترس نمی باشد بدون بهره گیری از دیدگاه کسانی که شکست کسب و کار را تجربه کرده اند، درک ما از پدیده شکست ممکن است نه تنها جزئی بلکه همراه کننده نیز باشد. از اینرو با تمرکز بر تجربه کارآفرینان از شکست، عوامل تاثیر گذار بر بازیابی فرد را مطالعه خواهیم نمود و با ارائه بینش غنی چگونگی بازیابی، دانش این رویداد بویژه در ایران را بطور قابل توجهی توسعه می دهیم.

با مطالعه عمیق بازیابی در زمینه شکست، این مطالعه سهمی در ایجاد تئوری بازیابی در کارآفرینی خواهد داشت. علی رغم برسمیت شناختن بازیابی بعنوان عامل تاثیر گذار بر عملکرد کارآفرینان بنظر می رسد تحقیقات و درک محدودی از چگونگی سازگاری فرد کارآفرین با شرایط دشوار وجود دارد. در شرایط دشواری که او مجبور است تصمیمات روزمره و گاه حیاتی را اتخاذ کند که اگر در شرایط پر تنش و بدون بازیابی اتفاق افتد می تواند منجر به نابودی کسب و کار فرد گردد. در مجموع درک عمیق از آنچه برای فرد کارآفرین در تلاش برای سازگاری با شکست کسب و کار مانند مهارت ها، منابع و استراتژی ها مفید است، زمینه را برای توسعه تئوری بازیابی مرتبط با کارآفرینی فراهم می کند.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به اینکه بدنمال شناخت عمیق و ساز و کار بازیابی پس از تجربه شکست هستیم روش پژوهش کیفی بکار گرفته شده. استراتژی انتخاب شده در این پژوهش پدیدار شناسی است که با توجه به اصول هستی شناختی خود تا حد امکان بر تجربه های دست اول یا تجربه زیسته متمرکز می شود. دریافت تجربه های دست اول یا تجربه زیسته تنها از طریق مصاحبه با افرادی صورت می گیرد که خود این تجربه را داشته اند.

که با اثر متقابل هزینه های شکست و معنا و مفهومی که کارآفرین از آن می سازد شکل می گیرد. سه نوع پیامد مرتبط با شکست کسب و کار وجود دارد: پیامدهای بازیابی، پیامدهای شناختی، پیامدهای رفتاری [۳۲].

بازیابی از شکست کسب و کار: بازیابی سریع تر از غم و اندوه از دست دادن یک کسب و کار سلامت احساسی و جسمی کارآفرینان را افزایش می دهد، در نتیجه آنها را سازنده تر می سازد [۲۶]. افرادی با تفکر در باره اتفاقات اطرافشان که منجر به زیان کسب و کارشان شده که از غم و اندوه مرتبط با شکست بهبود یافته اند دیگر پاسخ عاطفی منفی بروز نمی دهند [۲۴]. تحلیل استقرایی کوپ [۹] او را به این نتیجه رساند که پس از شکست متشکل از سه فاز وابسته به هم می باشد. اول وقفه ای که طی آن کارآفرین بمنظور بهبود روانی خود را از شکست جدا می کند (مشابه گرایش بازسازی شفرد [۲۴]). دوم یک دوره تأمل انتقادی که در طی آن کارآفرین درگیر تلاش مصمم و آگاهانه برای درک و فهم شکست است (مشابه محوریت زیان شفرد [۲۴]). در نهایت، یک دوره عمل انعکاسی وجود دارد که در طی آن کارآفرین تلاش می کند از شکست به دنبال فرصت های دیگر حرکت کند.

پیامدهای شناختی: محققان به طور فزاینده ای به روابط بین شکست و دیگر سازه های شناختی، مانند اعتماد به نفس / خوش بینی علاقه مند می شوند. در حالی که محققان خوش بینی را به عنوان یک توضیح برای میزان بالای شکست سرمایه گذاری جدید ارائه داده اند، چنین خوش بینی نیز ممکن است به عنوان یک منبع که بر اساس آن کارآفرینان می توانند طرحی که به آنها در بازیابی از شکست کمک می کند بکار گیرند [۱۶].

پیامدهای رفتاری: تحقیقات نشان می دهد که بسیاری از کارآفرینان از شکست کسب و کار را تجربه کرده اند نه تنها نیت قوی برای شروع کسب و کار بعدی را پرورش می دهند بلکه واقعا انجامش می دهند [۲۳]. اگر یک مزیت اصلی شکست فراهم کردن یک فرصت یادگیری است، پس ممکن است انتظار داشته باشیم کسب و کارهای متعلق به کارآفرینانی که شکستی را تجربه کرده اند عملکرد بهتر داشته باشند.

محققان بطور فزاینده ای علاقه مند به درک چگونگی تطبیق و بازیابی مردم از شرایط دشوار و شدید در زندگی می باشند [۴] اینگونه مطالعات عمدتاً در مقوله "بازیابی" می گنجد [۱۴]. بازیابی به معنی "مقابله^۸ موثر و انطباق^۹ هر چند که با خسارت، سختی یا مشقت مواجه باشد" است [۲۷]. ادبیات بازیابی در سال ۱۹۷۰ با یک گروه از روانشناسان و روانپزشکان که مشکلات کودکان در معرض خطر آسیب روانی و رشد به دلیل شرایط ژنتیکی و یا تجربی را بررسی می کردند

^۶ To make sense

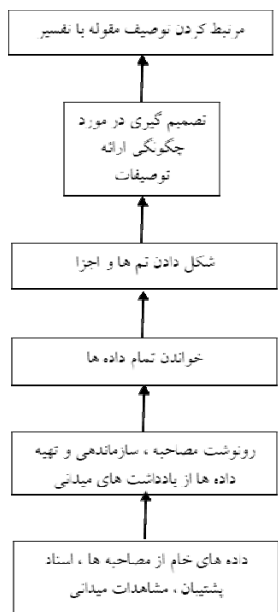
^۷ Resilience

^۸ Coping

^۹ Adaptation

مصاحبه بین ۲۳ تا ۵۸ سال بود که در زمان تجربه شکست بین ۲۲ تا ۴۵ سال سن داشتند. ۱۳ نفر از شرکت کنندگان مرد و ۵ نفر از ایشان زن بودند. ۱۰ نفر از ۱۸ شرکت کننده سابقه کار و یا دانش مربوط به محصول یا خدمات ارائه شده در کسب و کار خود را داشتند. ۱۶ نفر از ۱۸ شرکت کننده کارآفرینان نوبت اول بودند. ۱۲ نفر از ۱۸ نفر در کسب و کار شریک داشتند و از این ۱۲ نفر ۹ نفر با دوستان و ۳ نفر با فامیل شریک بودند.

تجزیه و تحلیل داده ها : تجزیه و تحلیل داده ها با بررسی ادبیات هدایت شد که یک نقطه شروع مفید برای درک تجربه شکست شرکت کنندگان و بازیابی از آن بود و هیچ دستور العمل خاصی برای انجام این تحلیل در دسترس نیست [۲۰]. روند تجزیه و تحلیل داده ها در شکل ۱ نشان داده شده است. این روند، اگرچه به صورت توالی به تصویر کشیده شد، اما از نظر ماهیت تکراری بود، به عنوان مثال، محقق بین مراحل جمع آوری داده ها، رونویسی، شکل گیری مضامین، سازه های نظری و نوشتن یافته ها به عقب و جلو حرکت کرد.



شکل (۱): فرآیند تجزیه و تحلیل داده ها

۴- یافته های پژوهش

تجربه شکست می تواند زندگی کارآفرین را از هم پاشیده و او که به آرزوهای خود نرسیده را دچار غم و اندوه و ننگ ناشی از شکست نماید. در این شرایط کنار هم قرار دادن یک ساختار برای شروع دوباره کار بسیار دشوار و بزرگی بنظر می رسد. در این پژوهش به دنبال این سوال هستیم که فرد کارآفرین چگونه به حالت قبل از شکست بر می گردد و بازیابی می کند؟ در پاسخ به آن با کد گذاری نتایج مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۸ شرکت کننده که تجربه شکست داشته و بازیابی

جمع آوری داده ها : از آنجا که وقایع تشکیل یک داستان فقط از طریق گفتن برای ما در دسترس است، یک روایت دارای دو مؤلفه اساسی است: داستان و گوینده. مصاحبه را می توان به عنوان یک صحنه داستان گویی یا "نوشته محصول روایت" [۱۳] در نظر گرفت. روش های بسیاری برای درک روایت ها در مصاحبه ها وجود دارد در این مطالعه از "مصاحبه نیمه ساختار یافته" برای جمع آوری داستان های شکست کارآفرینان و آنچه بر فرد کارآفرین پس از آن گذشته است تا اقدام مجدد، به عنوان داده های شرکت کنندگان استفاده شده است. برای استخراج روایت از مشارکت کننده، مصاحبه کننده ماهرانه یک سؤال مولد^{۱۰} باز را طراحی می کند که در عین حال به اندازه کافی خاص "برای قلمرو تجربی مورد نظر" می باشد [۱۵]. پس از پرسیدن سؤال، مصاحبه کننده به طور فعال گوش می کند و منتظر می ماند که شرکت کننده داستان را تمام کند و سپس در صورت لزوم سؤالات مولد دیگری راجع به بخش هایی از داستان که مورد توجه پژوهش هستند، ولی به اندازه کافی توسط شرکت کننده تشریح نشده اند را می پرسد.

انتخاب شرکت کنندگان : در ادبیات توافق کامل در مورد چگونگی تعریف یک کارآفرین وجود ندارد و کارآفرین به روشهای متعددی تعریف می شود [۲۹]، مانند شخص خود اشتغال [۱۹]. مالک-مدیر یک بنگاه [۳۳]، فرد درگیر در راه اندازی یک سرمایه گذاری خصوصی نوآورانه [۲۱] یا فرد درگیر در راه اندازی یک شرکت کوچک یا متوسط جدید [۳۰]. به هر حال، این مطالعه تعریف عملیاتی پولیتیس و گابریلسون [۲۲] از کارآفرین را می پذیرد: "تعریف عملیاتی ما از کارآفرین در این مطالعه فردی است که کسب و کاری را ایجاد و مدیریت می کند". در این پژوهش انتخاب شرکت کنندگان بر اساس سه پیشنهاد تیلور و بوگدان^{۱۱} [۳۱] انجام شد. اول، شرکت کننده باید کارآفرینی باشد که شکست کسب و کار را تجربه کرده و دست به اقدام مجدد کارآفرینانه زده است. دوم، شرکت کننده باید کسی باشد که محقق او را نمی شناسد. سوم، شرکت کننده باید کسی باشد که وقت داشته و مشکلی برای گفتگو در مورد تجربه خود نداشته باشد [۲۷]. برای شناسایی شرکت کنندگان که با معیارهای گفته شده در بالا مطابقت داشته باشند، اطلاعات مربوط به پژوهش در تماس های شخصی در دانشگاه، مراکز رشد دانشگاهی و دانشجویان بیان شد. از بین ایشان داوطلبانی اعلام آمادگی نمودند. در نهایت هجده کارآفرین در این مطالعه شرکت کردند و داستانهایی از تجربیات خود در مورد شکست سرمایه گذاری کوچک و متوسط را روایت کردند. کسب و کار شرکت کنندگان طیف وسیعی از بخش های خرده فروشی، تجارت، تولید، خدمات را شامل می گردید و طول مدت هر یک از این سرمایه گذاری ها بین ۳ ماه تا ۱۱ سال بوده است. در زمان مصاحبه تجربه ایشان در محدوده زیر یکسال تا ۱۹ سال بود. سن شرکت کنندگان در

¹⁰generative question

¹¹ Taylor and Bogdan

گذار است. بعلاوه نحوه رشد و اتفاقات دوران کودکی کارآفرینان می‌تواند بر نگرش آنها نسبت به شکست و مقابله با آن تاثیر گذار باشد. همانگونه که یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد:

" پدرم در دوران جنگ از رزمندگان بود. او مرد بسیار خوب و آرامی بود. از آندسته پدرانی نبود که زیاد با بچه هایش صحبت کند ولی اگر اشتباهی می‌کردم برخورد تندی با من نداشت و فرصت می‌داد تا با اشتباهم کنار بیایم و آن را اصلاح کنم. برای اشتباهاتم سرزنش نمی‌کرد و زمینه را برای یادگیری از آن اشتباه برایم فراهم می‌کرد. با اطمینان می‌توانم بگویم توان بازیابیم را مدیون نحوه بزرگ شدن و برخورد پدرم هستیم."

یافته‌ها نشان می‌دهد سخت‌کوشی و خوش‌خلقی در شرایط سخت نمونه‌هایی از تاثیر فرهنگ خانواده بر نحوه درک و برخورد با شکست کسب و کار می‌باشد. همچنین بیانگر این است که شرکت‌کنندگان با نگاه به خاطرات تجربیات مهم و نامطلوب گذشته خود دیدگاه خوش‌بینانه‌ای در مواجهه با دشواری‌های شکست کسب و کار و شروع مجدد زندگی در خود ایجاد کرده‌اند. این دیدگاهها بیشتر از کودکی بوجود آمده است. مشکلات مالی و عاطفی، از دست دادن عزیزان، جابجایی‌های شغلی بویژه در کودکی از عواملی هستند که به شکل‌گیری این دیدگاه‌ها کمک کرده است. این مشکلات صرف نظر از اینکه مستقیماً توسط شرکت‌کنندگان تجربه شده یا شاهد آن بوده‌اند بعنوان مجموعه‌ای از تجربیات که منبع قدرت‌شان در شکست کسب و کارشان بوده است از آن یاد کرده‌اند. تامل در اینگونه رویدادها موجب آن بوده تا شرکت‌کنندگان بخود اطمینان دهند که با تحمل مشکلات می‌توانند خود را بازیابی کرده و زندگی حرفه‌ای خود را از نو بسازند. از این رو، کارآفرینان می‌توانند به جای تمرکز روی ابعاد منفی تجربه شکست سرمایه‌گذاری، از تجربیات قبلی به عنوان راهی برای کنترل فشارهای موجود در شرایط فعلی خود و حفظ نگرشی امیدوارکننده استفاده کنند.

- طرز تفکر و پشتیبانی

برخی از شرکت‌کنندگان حمایت اعضای خانواده در بهبودی از آشفتگی و غم ناشی از شکست را تصدیق کردند. در ابتدا شرکت‌کنندگان در مورد حمایت عاطفی خانواده در بازیابی خود مطالبی را ارائه نمودند. بعنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان وقتی از پشتیبانی عاطفی برادرش زمانی که دچار افسردگی بود و احساس بازنده بودن داشت صحبت می‌کرد گریه کرد. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان اظهار داشت برادرش به او گفت تو اصلاً بازنده نیستی همه تلاشت را کردی و به سختی کار کردی حتی اگر کسب و کارت تداوم نداشت محصولی را وارد بازار کردی که قبلاً نبوده است که خود قابل تقدیر است. یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت:

نموده‌اند چهار تم تشکیل‌گردید، خانواده، تعاملات اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حواس پرتی مثبت که در کنار هم مقوله بازیابی را در این پژوهش شکل داده است. یافته‌ها بیانگر این است که کارآفرینان معتقدند عبور از این شرایط دشوار، جهش به قبل از این اتفاق در زندگی و شکل‌دهی ایده‌ای برای حرکت به جلو یکباره نبوده. این تغییرات با یک فرآیند تعاملی و تدریجی گام به گام رو به جلو بدست آمده است. آن چیزی که در این مسیر موجب حرکت به جلو ایشان گردیده دوازده جزء می‌باشد که در زیر به تشریح آن می‌پردازیم

۱-۴- خانواده

خانواده نقش بزرگی در مقابله با غم و انده ناشی از شکست داشته است. خانواده توانسته توان لازم برای مقابله با چالش‌های فرد دارای تجربه شکست فراهم نماید. سه جزء در این تم عبارتند از: الگو، طرز تفکر و پشتیبانی. این اجزاء در زیر توضیح داده شده تا بینش وسیع‌تری از نقش خانواده در بازیابی کارآفرین دارای تجربه شکست بدست دهد.

- الگو

شرکت‌کنندگان افرادی را در خانواده خود بعنوان کسانی که با مشکلات و ناملایمات از شکست مقابله کرده بودند یاد می‌کردند بعنوان مثال:

"خانواده ام با سختی‌های زیادی روبرو بودند. آنها همیشه بشدت کار می‌کردند. سختی‌های زیادی را پشت سر گذاشتیم. عمو و پدرم بدلیل مشکلات اقتصادی در زمان جنگ شکست را تجربه کرده بودند. مشکلات زیادی را دیده بودم می‌دانستم اگر از گرفتاری‌ها خودت را بیرون نکشی چه می‌شود. اگر در آن بخش‌های زندگی بمانی نابود می‌شوی و اگر از آنها بگذری می‌توانی دوباره شروع کنی. فکر می‌کنم واقعیتی که با آن بزرگ شدم و تجربیات در جوانی خیلی به من کمک کرد. شرایط عمو و پدرم را دیده بودم."

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان بطور مشابه بیان کرد:

"پدر بزرگ و پدرم را دیده بودم. آنها کشاورز بودند و سخت کار می‌کردند. در روستا بودیم دو اتاق داشتیم و آب را از چشمه می‌آوردیم. برق نداشتیم و آب را روی اجاق گرم می‌کردیم. برای باغچه کوچکمان آب باران را در استخر کوچکی که ساخته بودیم جمع می‌کردیم. برای رفتن به مدرسه چند کیلومتر می‌رفتیم تا به ده بزرگتر که نزدیک جاده بود برسیم. زمستان خیلی سخت بود بعضی وقت‌ها از ترس حیوانات سعی می‌کردیم با افراد بزرگتر که از شهر برمی‌گشتند به روستای خود برویم. با این سختی‌ها بزرگ شدم و فهمیدم که اگر در سختی‌ها مقاومت کنی به نتیجه می‌رسی باید پله پله بالا رفت."

این بیانات نشان می‌دهد که خانواده مانند پدر بزرگ، پدر، مادر و همسر می‌توانند الگوهای خانوادگی برای الهام بخشی به فرد کارآفرین باشند. شیوه برخورد این افراد با مشکلات تاثیر عمیقی بر تفکر کارآفرینان داشته و شکل‌گیری احساس آنها پس از شکست نیز تاثیر

می تواند موجب تحرک، مقابله با چالشها، بازیابی و اقدام مجدد کارآفرین برای راه اندازی کسب و کار جدید باشد. در مجموع تم خانواده بینشی عمیقی در خصوص نقش حیاتی خانواده فرد کارآفرین دارای تجربه شکست ارائه می دهد. در این بخش تاکید بر این بود که غم، اندوه، آشفتگی و درگیری های خانواده فرد کارآفرین بر فشار روانی او در مقابله با شکست کسب و کار می افزاید. از طرف دیگر یافته های تم خانواده نشان دهنده آنست که فرهنگ و تجربیات خانواده همچنین الگوها و حمایت خانواده می تواند در تحمل چالشها و بازیابی فرد کارآفرین دارای تجربه شکست کمک کند. خانواده می تواند برای فرد کارآفرین انگیزه ای برای ساخت دوباره زندگی باشد.

۴-۲- تعاملات اجتماعی

بغیر از خانواده شرکت کنندگان به تعاملات اجتماعی خود مانند دوستان، آشنایان، همکاران، مشاوران، شبکه های اجتماعی، کنفرانس ها و همایش ها بعنوان منابع حمایتی، التیام بخش، الهام بخش و انگیزشی اشاره کردند. آنها معتقدند این منابع در ایجاد درک از بلایی که به آن دچار شده کمک کرده و آنها را در مسیر بازشناسی شرایط فعلی و استراتژی های بازیابی یاری نموده اند. همچنین شرکت کنندگان معتقد بودند این تعاملات روش های ایشان در کنار آمدن با افکار منفی، ایجاد خوش بینی و تقویت اعتماد به نفس را تغییر داده و راهنمای ایجاد کسب و کار جدید بوده است.

- دوستان و آشنایان

برخی بیانات شرکت کنندگان نشان می دهد که شبکه دوستان و ارتباطات اجتماعی می تواند مفید باشد زیرا می توانند پیشنهادات دلگرم کننده ای در خصوص روش حرکت به جلو و مقابله با غم و اندوه ارائه دهند.

"یکی از دوستانم به من گفت هر روز را با یک آرزوی خوب شروع کن مطمئن باش به آن خواهی رسید. به این معنی است که وقتی آرزویی داری هدفی داری و منتظر یک اتفاق خوب هستی که با تلاش آن را محقق خواهی کرد. اگر با افکار منفی روبرو هستی شروع کنی اتفاقات بد برایت می افتد."

تعاملات اجتماعی مثبت می تواند روحیه کارآفرینان را بالا برده بهبود آنها را تسهیل کند، زیرا آنها حس می کنند درک شده اند و در این شرایط تنها نیستند. یکی از شرکت کنندگان اینطور بیان می کند:

"با دوستان خود دور هم جمع می شویم و در خصوص شرایط کار و اوضاع احوال اقتصادی صحبت می کنیم. خیلی خوب است احساس تنهایی ام از بینی می رود و حس می کنم کسانی مانند من هستند. از تنش های ذهنی ام کم شده و حس خوبی در من بوجود می آید دلم می خواهد بیشتر در این جمع ها شرکت کنم."

یکی دیگر از شرکت کنندگان اظهار داشت:

"همینکه بخاطرم به خانه من آمدند و مرا درک کردند و در موردم قضاوت نکردند. نشانگر این بود که مرا دوست داشتند. آنها سعی می کردند به هر طریق ممکن به من کمک کنند."

شرکت کنندگان از تعبیری مانند کوه، فرار نکردن، طلبکار نبودن و ثبات برای توصیف حمایت همسرانشان استفاده کردند. یکی از شرکت کنندگان اظهار داشت:

"با اینکه پول نداشتم، بدهکار بودم و زندگی راحتی هم نداشتم هیچ فشاری از طرف همسرم نبود. با مشکلات کنار می آمد. خیلی خوش شانس بودم از من گله و شکایتی نداشت. می توانست خیلی بد خلقی کند ولی هیچوقت اینکار را نکرد."

شرکت کنندگان از همسران خود که در شرایط سخت و استرس بیش از حد از وضعیت شان به زندگی بدون گله و شکایت ادامه داده اند بعنوان حامی و پشتیبان یاد می کنند. این نکته گفتنی است که لازم است کارآفرینان و اعضای خانواده آنها در مورد استرس و راههای مقابله با آن بیاموزند زیرا ایشان ناخواسته می توانند تنش های ناشی از شکست کسب و کار را به یکدیگر منتقل کنند. کارآفرینان ممکن است ناتوانی در کنترل استرس را بعنوان یک نگرش غیر حمایتی تصور کنند. علاوه بر این بیان کلامی حمایت روحی و معنوی خانواده به تقویت روحیه آنها و بازیابی از غم و درد ناشی از شکست کمک می کند. شرکت کنندگان علاوه بر حمایت مالی به نقش خانواده در مقابله با مشکلات مالی و کمک به شروع کسب و کار جدید اشاره کردند. بعنوان مثال پدر یکی از شرکت کنندگان با توجه به اینکه او مجبور به فروش ماشین خود شده بود برای مدتی خودرو خود را در اختیار او قرار داده بود. و یا همسر یکی از شرکت کنندگان پیشنهاد فروش خانه و نقل مکان به خانه ارزانتر را به او داده بود. فرزندان یکی از شرکت کنندگان ساعت های بیشتری کار می کردند تا او بتواند بدهکاری های خود را که بدلیل شکست کسب و کارش داشت را باز پرداخت کند.

"حمایت خانواده بسیار ضروریست. اگر همه بار بدوش خودتان باشد اصلا از پشش بر نمی آید. فرزندانم بسیار پشتیبان بودند آنها بشدت کار می کردند و فرصتی برای استراحت نداشتند. من هم در کنار آنها با تلاش زیاد کار کردم این پیوند خانوادگی و درک بود که ما را از مشکلات خلاص کرد."

تعدادی از شرکت کنندگان انگیزه ساختن یک زندگی خوب برای خانواده را پس از تجربه شکست عامل حرکت و قوت خود بیان نمودند. یکی از شرکت کنندگان اظهار نمود:

"خانواده ام خیلی حامی من بودند با مشکلاتم ساختند و چیزی از من نخواستند. می خواهم ماشین خوبی برایشان بخرم و چند مسافرت خوب داشته باشند و در جامعه سر بلند باشند. به همین دلیل تلاشم را چند برابر می کنم. باید موفق شوم باید."

یافته ها حاکی از آن است که خانواده می تواند عامل مقاومت و تسهیل کننده برگشت به قبل از شکست فرد کارآفرین باشد. طرز فکر خانواده

یکی از شرکت کنندگان در دوره های کارآفرینی شرکت کرده بود که در بخش هایی از آن در خصوص شکست و راههای مقابله با مشکلات پس از آن مطالب جالبی یاد گرفته بوده که کمک شایانی به او نموده است:

"چند دوره ۴ ساعته در مورد کارآفرینی و شیوه های موفقیت آن در دانشگاه برگزار شد یکی از دوستان پیشنهاد داد با بی میلی شرکت کردم هزینه ای هم نداشت اول خیلی توجه نداشتم فکر می کردم یک نفر که از بدبختی های راه اندازی کسب و کار اطلاع ندارد نسخه های از قبل نوشته شده کتابی را ارئه می دهد کمی گذشت حس کردم انگار وضعیت مرا توضیح می دهد توجهم جلب شد... خیلی چیزها یاد گرفتم و کمک زیادی به من کرد."

اظهارات تعدادی از شرکت کنندگان به وضوح بیانگر این مطلب است که شرکت در سمینارها و دوره های مختلف در ایجاد نگاه مثبت به شکست در ایشان تاثیر بسزایی داشته و ایشان را در مسیر بازبایی به جلو برده است. در مجموع یافته ها حاکی از آن است که تاثیر تعاملات اجتماعی کارآفرین در خارج از خانواده در توسعه قابلیت برگشت به قبل از شکست و بازبایی قابل توجه می باشد. در دنیایی که از نگاه ارتباطات در حال کوچک شدن است، روش های سنتی مانند مشاوره، جلسات، کتابها، کنفرانس ها و رویکردهای مدرن از قبیل اینترنت، پادکست، شبکه های مجازی کارآفرینان را قادر می سازد تا به منابع ایده های الهام بخش جدید دست یابند. تعاملات اجتماعی که حس ارتباط با دیگران را در کارآفرینان تقویت می کند موجب تقویت حس تنها نبودن نیز می شود کارآفرینان دارای تجربه شکست با این تعاملات درک می کنند که تنها ایشان در این شرایط قرار نگرفته اند و بودند افرادی که از این مسیر عبور کرده و خود را به موفقیت رسانده اند. همین حس و درک موجب تقویت نگاه خوش بینی، امید و انگیزه حرکت به جلو در ایشان می شود. نکته قابل توجه دیگر اینست که کارآفرینانی که از حمایت خانواده برخوردار نیستند تعاملات اجتماعی حس حمایت اجتماعی را در ایشان تقویت می نماید که به نوعی جبران کننده آن نقصان است. به هر صورت ذهن باز و گرایش به آزمودن رویکرد های جدید مقابله با عقب افتادگی و مشکلات ناشی از شکست کسب و کار بطور موثر و کارا جلب نماید.

۴-۳- اعتقادات مذهبی

یافته ها بیانگر آنست که کلیه شرکت کنندگان اعتقاد به وجود خدای یگانه ای که عالم هستی را خلق کرده داشته اند و معتقد بودند هر آنچه برای ما اتفاق می افتد خالق هستی بر آن واقف است تعدادی از شرکت کنندگان معتقد بودند سرنوشت ما از پیش نوشته شده و گروه دیگری معتقد بودند خدا عالم کل هستی است و نظم را خلق کرده و عقل و درایت هر فرد سرنوشت او را رقم می زند. یکی از شرکت کنندگان اعتقاد خود را با جمله " خدا تقدیر می کند و خلق تدبیر" بیان نمود.

"با بچه های مرکز رشد دور هم جمع می شویم و در مورد ایده های جدید برای راه اندازی کسب و کار صحبت می کنیم با دو نفر جدیداً آشنا شدم بچه های خوش فکری هستند تازه می خواهند کسب و کار ی را شروع کنند. حس انرژی آنها در من انگیزه برای حرکت جدید ایجاد کرده."

بسیار جالب بود که یکی از شرکت کنندگان اظهار نمود از اینکه در این مصاحبه شرکت کرده و با یک نفر از جامعه در خصوص مسیر زندگی خود صحبت می کند انگیزه او را برای تلاش مجدد تحریک کرده است.

- مشاوران

علاوه بر این تعدادی از شرکت کنندگان اظهار کردند که صحبت با یک مشاور می تواند در یافتن راههای مقابله با شرایط بعد از شکست، سامان دادن افکار و بازبایی مفید باشد. یکی از شرکت کنندگان در این خصوص بیان کرد:

"وقتی امیدم را از دست داده بودم و همه چیز را تمام شده می دانستم به روانپزشک مراجعه کردم. با او گفتگو کردم چندین جلسه مشاوره برابم گذاشت او به من اطمینان داد که حالم بهتر خواهد شد. او به من امید زندگی دوباره داد."

یکی دیگر از شرکت کنندگان بیان نمود:

"روانپزشک روش صحبت با من را خوب می دانست او ریشه افسردگی مرا از درونم بیرون کشید. شیوه هایی را پیش پایم گذاشت تا به کمک آنها بتوانم مسیر جدیدی را برای خود باز کنم."

- فضای مجازی، کتاب و دوره ها

با این گفتگو ها و تعاملات اجتماعی درک علت شکست و شیوه های مقابله با آن همچنین بازبایی برای فرد کارآفرین روشن تر می شود. تعدادی از شرکت کنندگان به مطالب الهام بخش که از طریق فضای مجازی، مطالعه نشریات، گوش کردن به مصاحبه ها و شرکت در کنفرانس ها و همایش ها بدست آورده بودند اشاره داشتند. بعنوان نمونه یکی از شرکت کنندگان بیان نمود:

"داشتم شبکه اجتماعی خود را می دیدم به نوشته هایی در زمینه راه های مقابله با غم از دست دادن فرد عزیز در خانواده برخورد کردم مطلب زیبایی بود این نوشته ها را دنبال کردم . مطالب زیادی می نوشتند و چیزهای زیادی یاد گرفتم."

یکی دیگر از شرکت کنندگان در بازدید از سایت های مختلف با وبلاگی آشنا شده بود که روزانه مطالبی را در خصوص چگونگی راه اندازی و موفقیت کسب و کار را ارائه می داد. برخی دیگر از شرکت کنندگان به کتاب هایی که در این زمینه در کتابخانه دیده اند اشاره داشتند. یکی از ایشان اظهار نمود:

"خیلی برام جالب بود سردرگم در بین کتاب های کتابخانه دانشگاه گشت می زدم با تعداد زیادی کتاب برخورد کردم که عناوین آن به نوعی کمک کننده به من بود تعدادی را انتخاب کردم مطالعه آنها دیدگاهم را در زمینه شکست های عاطفی توسعه داد."

"باید سخت تلاش و عقل و اراده خود را حاکم کرد و در عین حال توکل به خدا داشت باید به جلو رفت و متوقف نشد هر زمان که با مشکلاتی مواجه شدم می دانستم که بخشی از زندگی است که خدا برایت تقدیر کرده است با این ناملایمات آبدیده شده و برای ادامه قوی تر می شوم."

بطور مشابه یکی دیگر از شرکت کنندگان بیان می کند:

"گر خداوند ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری. خیلی شنیده بودم و اما اینکه کی فهمیدم راسته رو نمیدونم... اما امروز ایمان دارم که اون روزی که نخواست در کسب و کارم موفق بشم روحیه منو میشناخت و من خودمو نمیشناختم. چیزی که فکر میکردم نقطه ضعفه و همیشه از همه پنهانش می کردم امروز شده نقطه قوتم آن کار اصلا با من سازگار نبود. روزی هزار بار خدا رو شکر می کنم که منو در این مسیر قرار داد."

اظهارات شرکت کنندگان حاکی از اینست که اعتقادات مذهبی مانند "خواست خدا بوده" آرامش بخش است. زیرا شرکت کنندگان در ناخودآگاه خود خداوند عالم را پاسخ دهنده به بندگان و مسئول اتفاقات زندگی خود می دانند. این امر موجب می شود تا آنها قادر به پذیرش شکست بعنوان جزئی از زندگی که خدا برای آنها تقدیر کرده بدانند. بخشی از زندگی که خداوند می خواهد آنان را بیازماید، قدرت دهد، معنای زندگی را منتقل کند و آنها را در مسیر کسب سجایای اخلاقی قرار دهد تا به اشرف مخلوقات بودن جامع عمل پوشانده شود.

نکته قابل تامل دیگر که در بیانات شرکت کنندگان بروز کرد اعتقاد به گشایش پس از سختی است که آنها را آماده پذیرش و مقابله با مشکلات کرده بود. بعنوان نمونه یکی از شرکت کنندگان اظهار داشت:

"خداوند در قرآن فرموده " پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست" این آیه در اوائل اسلام وقتی که مسلمین در کمال فقر و سختی بسر می بردند نازل گردیده. همچنین خداوند عالم فرموده " (ای پیامبر!) آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ و بار سنگینات را از (دوش) تو برداشتیم؟ آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود. و نام تو را بلند (آوازه) گردانیدیم. پس (بدان که) با هر سختی آسانی است. آری، با هر دشواری آسانی است. پس هر وقت (از کاری) فراغت یافتی (برای کار جدید) خود را به تعب انداز. و با رغبت و اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور". این اعتقاد من است بایستی استوار در سختی ها باشم تا آسانی و موفقیت بعد آن راببینم. از شروع هیچ کار جدیدی ترس ندارم زیرا او هست و وعده موفقیت داده."

این اعتقاد او را قادر ساخته با مشکلات شکست کسب و کار سازگار شود و راه موفقیت را بازیابی و شروع مجدد بدانند. در مجموع وقتی که شکست کسب و کار بعنوان "خواست خدا" در نظر گرفته شود پذیرش آن برای کارآفرینان آسانتر خواهد بود و آنان از مرحله غم و غصه و مصیبت سریعتر به شناخت خود و اراده برای برون رفت از این وضعیت، بازیابی و شروع حرکت جدید خواهند رسید.

شرکت کنندگان پروردگار را با کلماتی توصیف کردند: پوشاننده عیب ها، بخشنده، مهربان، روزی دست اوست، همه چیز خواست اوست، یاری کننده، پاداش تلاش را می دهد، انسانها را آزمایش می کند، به حرف آدم گوش می کند، نگهدارنده و بیاناتی که همه نشان از داشتن آرامش درونی در مشکلات و مصائب با توکل و یاد اوست. همچنین همه شرکت کنندگان الگوهایی از پیامبران و امامان برای تاب آوری در گرفتاری ها و سختی ها برای خود داشتند که همیشه و در بدترین شرایط آرامش بخش و راهنمای ایشان بوده است. از داستانهای شرکت کنندگان برای تم اعتقادات مذهبی سه جزء بروز کرد. این اجزا که عبارتند از خواست خدا بوده، الگوهای مذهبی و در پناه خدا بینش عمیق تری در خصوص اعتقادات مذهبی و تأثیری که بر شیوه شرکت کنندگان در مقابله با چالش های ناشی از شکست کسب و کار، بهبود و بازیابی دارد بدست می دهد. آنها معتقد بودند خدا به درد آنها گوش می دهد، دوستشان دارد و از آنها محافظت می کند بنابراین حتی اگر همه آنها را تنها بگذارند خدای مهربان شان هست. بوضوح از بیانات شرکت کنندگان مشخص است که توکل آنها را سریعتر به حالت قبل از شکست باز می گرداند.

- خواست خدا (تقدیر)

یکی از دلایلی که شرکت کنندگان توان مقابله با ناملایمات و اندوه پس از شکست را در خود افزایش دادند و توانستند این دوران را سپری کنند اعتقاد به اینست که این چالشها بخشی از زندگی و سرنوشتی است که برای آنها رقم زده شده و گذراست. به عنوان مثال یکی از شرکت کنندگان گفت " این نیز بگذرد هرچی خدا بخواهد آن می شود". با این تفکر او خود را برای شروع مجدد آماده کرده بود:

"همیشه با خدا در دل می کنم او همیشه در کنارم هست. هر وقت با قلبم از او چیزی خواستم کمک کرده. او مرا تنها نمی گذارد ... در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی." یکی از شرکت کنندگان معتقد بود خدا او را آزمایش کرده تا آماده ادامه زندگی شود:

"همیشه نماز را سر وقت می خوانم هیچوقت نماز ترک نشده. همیشه واجبات را بجا می آورم و سعی می کنم مستحبات را انجام دهم. قرانی پول حرام وارد زندگی من نشده. یاد خدا آرام بخش دلها است. نه اینکه فکر کنید از خدا گله دارم نه معتقدم او مرا آزمایش می کند. خدا مومنان را نیز با خیر یعنی ثروت و سلامتی و شر یعنی بیماری و تنگدستی می آزماید (البته من از مومنین نیستم) تا حالات آنها را بسنجد. از خدا می خواهم کمک کند تا در این آزمون سر بلند باشم." یکی دیگر از شرکت کنندگان اعتقاد داشت شاید اگر این اتفاق برایم نمی افتاد (شکست کسب و کار) اتفاق بزرگتری در راه بود. خیر در آن چیزی است که اتفاق افتاده. شرکت کننده دیگری معتقد بود شکست بخشی از تقدیر او بوده تا برای آینده آماده شود:

- الگوهای مذهبی

شرکت کنندگان در بیانات خود به پیامبران و ائمه اشاره داشتند که داستان آنها در قرآن و یا احادیث آمده است که چگونه در مقابل مصائب و سختی‌ها تاب آوردند. آنها معتقد بودند این بزرگان اولیاء خدا هستند و باید سرمشق و الگوی ما باشند. وقتی ایشان با اینگونه مشکلاتی مواجه بودند برای ما نیز قابل پذیرش و تحمل است. یکی از شرکت کنندگان اظهار می‌دارد:

" نام یا سرگذشت حضرت ایوب علیه السلام در چندین سوره از قرآن آمده، در سوره «ص» آمده است: "ما ایوب را شکیبایفتم، چه بنده خوبی بود که بسیار بازگشت کننده به سوی خدا بود". حضرت ایوب علیه السلام به عنوان یک آزمون بزرگ، گرفتار مصائب عظیمی شد تا درجه شکرگزاری او آشکار گردد و به مقام قرب پروردگار نزدیکتر شود. او که اموال، زراعت و گوسفندان فراوان و فرزندان برومند و لایق و متعدد داشت، در یک آزمون بزرگ، همه چیز، حتی فرزندان خویش را از دست داد و خود نیز به بیماری شدیدی مبتلا شد. آن حضرت چنان بیمار گشت که از شدت درد به خود می‌پیچید و بدین سان اسیر و در بند بستر بیماری و درد گردید، ولی هیچ یک از این امور، از شکر او نسبت به درگاه خداوند نکاست. به این ترتیب صبر و شکیبایی یکی از کلیدهای علم و آگاهی است. حضرت ابراهیم علیه السلام را به میان آتش افکندند و حضرت موسی علیه السلام و مؤمنان قومش را با شدیدترین شکنجه‌ها آزرده، حضرت عیسی علیه السلام را بعد از آزار زیاد، می‌خواستند که به دار آویزند، ولی خداوند او را نجات داد. در این میان فقط با نیروی صبر و استقامت می‌توان بر مشکلات پیروز شد."

این شرکت کننده صبر و تحمل پیامبران در ناملازمات را سرمشق خود قرار داده و با این الگوسازی توان تحمل در برابر مشکلات ناشی از شکست کسب و کار را در خود افزایش داده و در نتیجه کمک چشمگیری در بازیابی به او شده است. یکی دیگر از شرکت کنندگان حضرت زینب را بعنوان الگوی سختی و تحمل مصائب دانسته اینگونه بیان می‌کند:

" کسانی که در معرض آزمایش سخت الهی واقع شده و مورد نزول بلا و مصایب بزرگ و بسیار قرار گرفته اند کم نیستند ولی در میان همه، حضرت زینب امتیاز ویژه ای دارد و مصایب او به حدی است که به این موضوع اشتها یافته و او را ام المصائب و محل تجمع و تمرکز آلام بی شمار و غصه‌ها و رنج‌های بی پایان و جانکاه می‌دانند. ایشان قابلیت و استعدادی داشته‌اند که جز خدا کسی نمی‌تواند مقاماتش را بفهمد و مصایب ایشان نیز در خور مقاماتش بوده است. مصائبی که هر مصیبتی در کنار آن سهل و آسان می‌شود و در دنیا برای احدی اتفاق نیفتاده است."

شرکت کننده دیگری تسلیم نشدن در برابر ذلت را درسی می‌داند که از امام حسین یاد گرفته و این درس او را مقاوم در برابر شکست و دارای انگیزه حرکت دائمی کرده:

" ایشان (امام حسین) حکومت طلب و جنگ طلب نبود. چون همین امام حسین (ع) بود که ده سال با معاویه سر کرد و قیام نکرد. چون آنها با امام کاری نداشتند و به اجبار از ایشان بیعت نخواستند. از ایشان نخواستند تسلیم به ذلت شود. اما این حکومت خواستار ذلت امام بود. انسان مومن به هیچ وجه نباید عزت خود را بدهد. هرگز تسلیم ذلت نمی‌شوم. به راستی شخصیت اباعبدالله (ع) بزرگترین الگوست."

شرکت کننده دیگری صبر و شکیبایی حضرت علی در ناملازمات و حرکت پس از آن را الگوی خود قرار داده چنین بیان می‌کند:

" فدک که عمده ترین وسیله معاش اهل بیت (علیهم السلام) و بنی هاشم بود. جزو اموال عمومی قرار داده شد و در همین ایام، خمس که حق خاندان رسالت بود بکلی از احکام اسلام حذف گردید. بدین ترتیب نوادگان پیامبر (ص) با مشکل اقتصادی جدی مواجه شدند. در این زمان حضرت امیر یک سلسله کارهای اقتصادی انجام داد. چون زمینهای مدینه اغلب حاصلخیز و آبهای زیر زمینی آن در سطح بالا قرار داشت، امیر مؤمنان (ع) با حفر چاه زمینهایی را احیا و چندین نخلستان بزرگ احداث کرد و آنها را وقف علویان و اهل بیت (علیهم السلام) کرد. و به علاوه از دسترنج خود یک هزار بنده را خرید و آزاد ساخت. و تا بدانجا به کار کشاورزی بها داد که معروف است، فرمود: کاری در نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست. بعدها ائمه از درآمد مزارع و نخلستانها در راه تبلیغ اسلام و رفع نیاز مستمندان و کمک به موالی استفاده می‌کردند. این چنین حضرت شبانگه آندوه دل را در نخلستانها و در اعماق چاه با راز و نیاز با پروردگار در میان می‌نهاد و روزها را به کشاورزی سپری می‌کرد. برای او در آن سالها راز و نیاز شب و کشاورزی روز وسیله گذران عمر نبود، داروی درد و مرهم زخم جانکاه وی نیز بود."

یافته‌ها بوضوح بیانگر آنست که مطالعه زندگی بزرگان مذهبی و آشنایی با مصائب و مشکلات ایشان همچنین شناخت رویه‌هایی که ایشان در برخورد با مشکلات یش گرفته‌اند. بویژه صبر و تحمل و اتکال و توکل به یگانه هستی موجب تقویت روحیه مقاومت، امید و اعتماد به نفس در شرکت کنندگان گردیده زیرا ایشان معتقدند که وقتی این بزرگان مذهبی در دوران زندگی خود از شکست و مشکلات در امان نبوده‌اند پس مشکلات شرکت کنندگان بسیار طبیعی و جزئی از زندگی است. از طرف دیگر همه آن بزرگان به صبر و بردباری توصیه کرده‌اند که عاقبت آن عاقبت و موفقیت است. در نهایت این یافته‌ها تاثیر الگوهای مذهبی در بازیابی و اقدام مجدد کارآفرینان دارای تجربه شکست را عمیقاً به تصویر می‌کشد و موید آن است.

- در پناه خدا

شرکت کنندگان با خدا صحبت می‌کردند و با این کار احساس آرامش و پشتیبانی می‌کردند. یکی از شرکت کنندگان فرد قابل اعتمادی نداشت تا بتواند با او در مورد مشکلات کسب و کارش صحبت کند. وقتی احساس تنهایی و درماندگی کرد به خدا پناه برد و با او صحبت

کرد. معتقد بود به آرامش قلبی رسیده زیرا او می شنود و پاسخ می دهد. او در مورد زمانی که تنش زیادی داشت بیان کرد:

"مشکلات زیادی داشتم استرس قلبم را فشرده بود. نمی دانستم چه کنم. به گوشه ای رفتم با خدایم درد دل کردم می دانستم می شنود و در قرآن داریم "من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم" همینکه می دانستم او هست و بدون سرزنش صدایم را می شنود و پاسخم را می دهد به من آرامش قلبی می داد."

بطور مشابه یکی از شرکت کنندگان اظهار داشت ایمان بخدا مانع از خرد شدنش زیر فشار ناشی از شکست کسب و کارش شد.

"شکست بدی خورده بودم ورشکست شده بودم و به آخر خط رسیده بودم. با توجه به مسلمان بودن و حرام بودن خودکشی هرگز به این فکر نیفتادم. خدا هست به دادم می رسد. او هیچوقت بنده هایش را تنها نمی گذارد. من مسلمانم و سالها دینداری کردم. گناه به ذهنم هم خطور نمی کند."

توضیحات این شرکت کننده نشان می دهد که اعتقادات مذهبی و پناه بردن به خدا می تواند باز دارنده از دست زدن به اعمال مقابله ای منفی مانند خودکشی و آسیب زدن به خود باشد. پناه بردن به خدا می تواند به تحمل مشکلات آلام ناشی از شکست کمک کند. سطح اعتماد به نفس را افزایش داده و در نهایت موجب حل مشکلات گردد. شرکت کننده دیگری اظهار نمود در یک خانواده مذهبی متولد شده اما مانند آنها خیلی اهل مسجد و مراسم مذهبی نبوده است:

"هر وقت در گیر می شدم سراغ او (خدا) می رفتم البته این خوب نیست در شادی ها بایستی بیشتر به یاد خدا بود و شکر کرد. اما او بزرگتر و بخشنده تر از این رفتارهاست. بعد از شکست کسب و کارم در آن تنگنای مالی و روحی بارها با او صحبت کردم از او کمک خواستم. هیچوقت مرا تنها نگذاشت. کاملاً حس می کردم حرفهایم را می شنود و جایی دستم را می گیرد که اصلاً باورکردنی نیست. قدرتش را به آدم نشان می دهد ولی حیف که آدم فراموش کار است از مشکل که خلاص شدی فکر می کنی خودت بودی."

برخی از شرکت کنندگان هم در خصوص اعتقاد به آفریننده ای که همه چیز را می بیند و تحت کنترل دارد صحبت کردند. اعتقاد به آفریننده عالم و احساس حضور او در اتفاقات روزمره و همچنین احساس ارتباط با او موجب ایجاد دید مثبت و امیدوار به آینده در شرکت کنندگان شده بود. در نگاه کلی یافته ها سومین جزء از تم اعتقادات مذهبی یعنی "در پناه خدا" که از اظهارات شرکت کنندگان بدست آمده است را برجسته می نماید. این جزء خدایی را نشان می دهد که مانند والدین، دوست است، پناهگاه شماسست و از شما مراقبت می کند. بدون قضاوت به حرفهای شما گوش می دهد و در بدترین شرایط نیز به شما پشت نمی کند. از آنجا که خدا قدرت بالاتری است که بدون قید و شرط مراقب شماسست، قابل اعتماد و محرم است، احساس انزوا، تبعیض و درماندگی تا حدود زیادی کاهش می یابد و فرد

پناهگاه مستحکمی را متصور است که همیشه برایش باز است. علاوه بر این صحبت با خدا و دعا کردن موجب می شد تا شرکت کنندگان احساسات خود را بیان نمایند که خود موجب تسکین غم و اندوه و آرامش قلب می شد. این بدین معنی است که کارآفرینان ممکن است براحتی نتوانند احساسات خود را با دیگران در میان بگذارند که در صحبت با خدا همه آنچه در دل دارند را آزاد می کنند و به آرامش می رسند. بدین ترتیب دعا و صحبت با خدا موجب تعادل عاطفی در کارآفرینان دارای تجربه شکست می شود. اعتقاد به گوش کردن بدون قضاوت و پاسخ دادن همان پناهگاه مستحکم را می سازد.

۴-۴- حواس پرتی و تغییر تمرکز مثبت

حواس پرتی و تغییر تمرکز سومین تم از مقوله بازیابی است. این تم به معنای منحرف کردن عمدی توجه و تمرکز فرد از یک موضوع و در نتیجه کاهش دریافت اطلاعات و تمرکز بر آن موضوع است. که در خصوص غم و اندوه ناشی از شکست می تواند منجر به تقویت بهبودی و بازیابی فرد کارآفرین شود. شرکت کنندگان شوخی کردن، شرکت در فعالیت های شادی بخش، مفرح و آرامش بخش را از انواع فعالیت هایی بیان کردند که در این دوره کمک زیادی به ایشان کرده است. دو جزء این تم در زیر تشریح می گردد.

- انجام کارهایی که تاکنون تجربه نکرده اند

شرکت کنندگان انجام فعالیت هایی در اوقات فراغت مانند دویدن، کوهنوردی، موسیقی، نقاشی، مسافرت های جمعی و تئاتر و سینما را بعنوان فعالیت های شفاف بخشی که با توجه به آنها فکرشان آرام شده و از اندیشیدن مداوم به شکست و مشکلات آن فاصله گرفته اند نام بردند.

"دائم نشستن در یک گوشه فکر کردن به اینکه مشکلاتم چیست و چگونه باید آنها را حل کنم بسیار دشوار و سخت است نه تنها برای خود شما بلکه برای اطرافیان. وقتی برای کوهنوردی به بیرون از شهر می رفتیم ذهنم آزاد می شد می توانستم چند ساعتی را در آرامش باشم."

شرکت کننده دیگری بیان کرد:

"عصرها برای دویدن به پارک نزدیک محل سکونتم می رفتم. هر وقت به منزل بر می گشتم فکرم از مشکلات کار و پیدا کردن راه حل هایی برای گرفتاریهایم آزاد شده بود. از طرفی این تلاش روزانه از نظر روانی نیز مرا مقاوم کرده بود و احساس توانمندی برای شروع حرکت جدید در من ایجاد شده بود."

یکی از شرکت کنندگان در مورد اینکه به کلاسهای موسیقی می رفته و در زمان تمرین از افکار غم انگیز و ناراحت کننده جدا می شد صحبت کرد و یکی دیگر از شرکت کنندگان نقاشی کردن برای رهایی از فکر کردن را اینگونه تشریح کرد:

"نقاشی را خیلی دوست داشتم عصر که غم و غصه سراغ آدم می آید به اتاقی که در آن یک بوم نقاشی گذاشته بودم می رفتم. نقاشی از

مناظر طبیعی را خیلی دوست دارم. وقتی غرق تصور و تجسم طبیعت برای ترسیم می‌شدم کل ذهنم خالی می‌شد انگار در فضا بودم احساس سبکی وصف ناپذیری داشتم. همین فاصله گرفتن‌ها از غم و غصه بتدریج مرا آرام کرد."

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به مسافرت‌هایی که با دوستان می‌رفتند اشاره نموده اینگونه بیان کرد:

"در تمام طول هفته دعا می‌کردم جمع‌شود. مدتی بود هر جمعه با تعدادی از دوستان خوبم به سفرهای یک‌روزه در طبیعت می‌رفتیم. مقدار غذا و دور هم بودن و صحبت از هر طرف آنهم در طبیعت واقعاً احساس‌کنند از فکر داشتم. خیلی روی کم شدن تنش‌هایم تاثیر مثبت داشت." بیانات شرکت‌کنندگان حاکی از این مطلب است که حواس پرتی مثبت نه تنها موجب شادایی و آرامش آنها بوده بلکه با افزایش اعتماد به نفس حس موفقیت و دوری از انزوای اجتماعی که نتیجه آن بازسازی هویت فردی است را در ایشان تقویت کرده بود. یکی از شرکت‌کنندگان در خصوص آرزوهای خود صحبت کرد که کمک کرده بود از این دوره سخت عبور کند. "همیشه آرزو داشتم باغچه کوچکی داشته باشم، عصر هر روز به آنجا بروم درختان را آبیاری و به آنها رسیدگی کنم. همیشه بفکرش بودم حتی اگر فکر می‌کردم دست‌یافتنی نیست. احساس تحرک و انگیزه حرکت به من می‌داد شاید روزی می‌شد." آرزوهای شرکت‌کنندگان باعث می‌شد حس امید به آینده در ایشان زنده شده نسبت به آینده نگاه مثبتی داشته باشند و از احساس آینده‌تاریک که بدلیل شکست کسب و کار در ایشان ایجاد شده فاصله بگیرند. بیانات حاکی از آن است که احساسات مثبت ناشی از فعالیت‌هایی مانند دویدن یا نقاشی به شرکت‌کنندگان کمک کرده است تا در مشکلات روحی و عاطفی ناشی از شکست قدرت یافته و بازیابی کنند. از طرفی در لحظه زندگی کردن و شادی و نشاط آن موجب توقف تداوم یک غم و اندوه ویرانگر بوده فرصتی را بوجود می‌آورده تا ایشان از اضطراب خود کاسته آرامش و نشاط را تجربه کنند.

- شوخ طبعی
برخی از شرکت‌کنندگان مزاح و شوخ طبعی را بعنوان ابزاری برای عبور از شرایط دشوار توصیف کردند:

"یکی از نعمت‌ها خندیدن است وقتی چیز خنده‌دار می‌بینیم یا نکته‌ای از هم می‌بینیم در مورد آن شوخی می‌کنیم و می‌خندیم. بعضی از شوخی‌ها وسیله مقابله با اندوه است. وقتی می‌خندیم غصه‌های درونی شروع به آزاد شدن می‌کند."

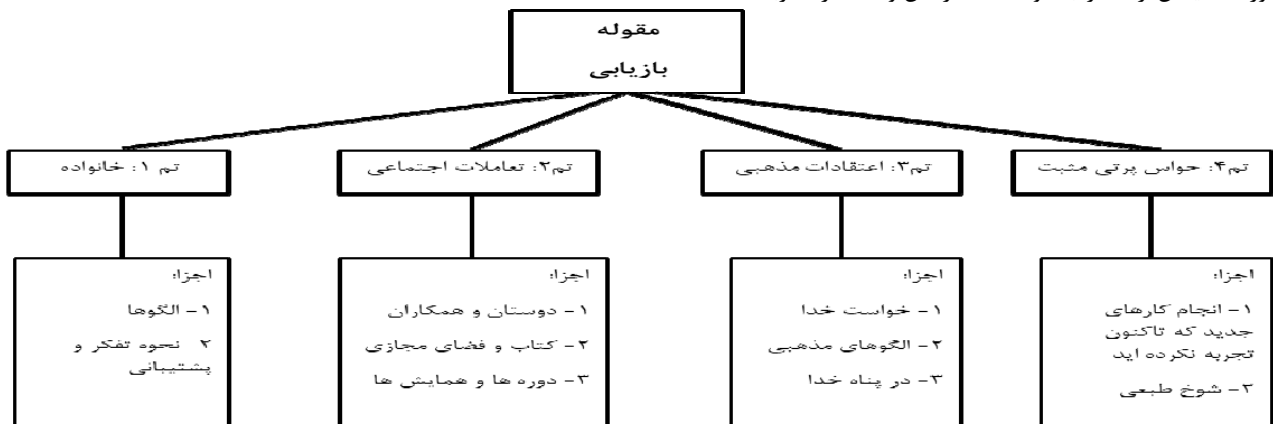
یکی دیگر از شرکت‌کنندگان اظهار نمود:

"پدرم بسیار اهل شوخی بود. در کودکی وضعیت مالی خوبی نداشتیم اما در همان حال هم با شادی کنار هم خوش می‌گذرانیدیم. پدرم کوچکترین موضوعی را در اطرافش می‌دید تبدیل به یک شوخی می‌کرد و همه با هم می‌خندیدیم. ما هم همینطور بزرگ شدیم و شوخ طبعی قسمتی از اخلاق ما شده. الان در مورد شکست کسب و کارم طوری می‌توانم صحبت کنم که شما بخندید."

بیانات بالا نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان با خندیدن و شوخ طبعی در یک موقعیت دشوار، قادر به تغییر حالت منفی ذهنی خود و بازیابی حس طبیعی بودن در هنگام استرس و عدم اطمینان به دلیل شکست کسب و کار بودند.

۵- نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های این بخش برای این پرسش بدنبال توضیح بود که: فرد کارآفرین پس از تجربه شکست چگونه باز یابی می‌کند؟ از یافته‌ها چهار تم خانواده، تعاملات اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حواس پرتی مثبت ظاهر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که فرد کارآفرین با کمک خانواده و تعاملات اجتماعی خود همچنین تکیه بر اعتقادات مذهبی تا حدودی موفق به بازیابی شده و تار پود از هم پاشیده زندگی خود را ترمیم می‌کند. تم‌ها و اجزا مرتبط با هر تم در شکل ۲ ارائه گردیده است.



شکل (۲): تم‌ها و اجزا مقوله بازیابی (منبع نگارنده)

یادگیری او در زمینه های نگاهش به کسب و کار، سرمایه گذاری و مدیریت آن و در نهایت منجر به توسعه فردی می گردد..

منابع و مأخذ

- [1] آراستی، زهرا؛ غلامی، منیره، ۱۳۸۹، علل شکست کارآفرینان در ایران، مدیریت توسعه کارآفرینی تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۸ (علمی-پژوهشی) از ۱۶۳ تا ۱۸۴.
- [2] Abdullah, F., Hamali, J., Deen, A. R., Saban, G., & Abdurahman, A. Z. A. (2009). **Developing a framework of success of Bumiputera entrepreneurs**. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, 3(1), 8-24. doi:10.1108/17506200910943652
- [3] Ahmad, N. H., & Seet, P.-S. (2009). **Dissecting Behaviours Associated with Business Failure: A Qualitative study of SME owners in Malaysia and Australia**. Asian Social Science, 5(9), 98-104
- [4] Bonanno, G. A., Papa, A., Moskowitz, J. T., & Folkman, S. (2005). **Resilience to Loss in Bereaved Spouses, Bereaved Parents, and Bereaved Gay Men**. Journal of Personality and Social Psychology, 88(5), 827-843
- [5] Borchert, P. S., & Cardozo, R. N. (2010). **Creative Destruction and Creative Combination**. Journal of Applied Management and Entrepreneurship, 15(2), 64-75
- [6] Cardon, M. S., Stevens, C. E., & Potter, D. R. (2011). **Misfortunes or Mistakes? Cultural Sensemaking of Entrepreneurial Failure**. Journal of Business Venturing, 26(1), 79-92
- [7] Boso, Nathaniel. Adeleyeb, Ifedapo. Donbesuorc, Francis. Gyensared, Michael. 2018, **Do Entrepreneurs Always Benefit from Business Failure Experience?** Journal of Business Research.
- [8] Cardon, M., & McGrath, R. G. 1999. **When the Going Gets Tough Toward a Psychology of Entrepreneurial Failure and Re-Motivation**. Paper Presented at the Frontiers of Entrepreneurship Research Conference, Babson College, Wellesley, MA.
- [9] Cope J., (2011), **Entrepreneurial Learning from Failure: an Interpretive Phenomenological Analysis**, Journal of Business Venturing, No. 26, pp. 604-623.
- [10] Cope, J., 2005a. **Toward a Dynamic Learning Perspective of Entrepreneurship**. Entrepreneurship: Theory and Practice 29 (4), 373-398.
- [11] Cope, J., Cave, F., & Eccles, S. 2004. **Attitudes of Venture Capital Investors Towards Entrepreneurs with Previous Business Failure**. Venture Capital, 6: 147-172.
- [12] Curtis, W. J., & Cicchetti, D. (2003). Moving research on resilience into 21st century: **Theoretical and Methodological Considerations in Examining the Biological Contributors to Resilience**. Development and Psychopathology, 15(1), 773-810
- [13] Czarniawska, B. (2004). Narratives in social science research [Ebrary readerversion] Retrieved from <http://site.ebrary.com.ezproxy.waikato.ac.nz/lib/waikato/logo.ut.action>
- [14] Earvolino-Ramirez, M. (2007). Resilience: **A concept analysis**. Nursing Forum, 42(2), 73-82
- [15] Flick, U. (2009). **An Introduction to Qualitative Research** (4th ed.). London, England: Sage.
- [16] Hayward, M. L. A., Shepherd, D. A., & Griffin, D. (2006). **A Hubris Theory of Entrepreneurship**. Management Science, 52(2), 160-172
- [17] Headd, B. (2003). **Redefining Business Success: Distinguishing Between Closure and Failure**. Small Business Economics, 23(1), 51-61.
- [18] McGrath, R.G. (1999), falling forward: **Real Options Reasoning and Entrepreneurial Failure**, Academy of Management Review, 24(1), 13-30.

بازیابی به فرآیند بهبود فرد کارآفرین از غم و درد و هزینه های ناشی از شکست اشاره دارد. در این دوره از حیات فرد، و با تاثیر از عواملی همچون خانواده، دوستان، تعاملات اجتماعی و اعتقادات مذهبی خود را از مصائب پس از شکست جدا کرده و تا حدودی به شرایط قبل از شکست باز گشته است. در این دوره فرد تلاش می کند تا از ناراحتی های جسمی و شرمندگی اجتماعی اجتناب کند. بازیابی تجربه کارآفرینان برای سازگاری با زندگی پس از شکست کسب و کار را به تصویر می کشد. علی رغم اینکه کارآفرینان تاثیرات غم و اندوه را تجربه می کنند بازیابی و برگشت به حالت قبل لازم را برای سازگاری با تغییرات مداوم بدست می آورند و در تلاش برای ترمیم آسیب های زندگی خود هستند. با توجه به احساس غم و اندوه، اضطراب، عدم کفایت و فشارهایی که روزانه با آنها روبرو می شوند، برای آنها حفظ روحیه و آغاز سفر بازیابی آسان نبود. با این وجود عواملی شامل اعتقادات مذهبی(خواست خدا، الگوهای مذهبی، در پناه خدا)، خانواده(الگو، نحوه تفکر و پشتیبانی) و تعاملات اجتماعی(دوستان، همکاران، مشاوران، فضای مجازی) به آنها در این فرآیند کمک می کند. این رشته ها بهم تنیده شده بودند که هم پذیرش واقعیت پس از شکست کسب و کار را در فرد ایجاد می کردند و هم به ایشان امیدواری می دادند تا بجای تسلیم در برابر غم و اندوه و فشارها مقاومت کنند. عنوان بازیابی توجه را به تغییر رویه فرد کارآفرین در این تجربه جلب می کند، که به معنای تغییر فرد از حالت منفعل با احساس قربانی بودن و غرق در غم و اندوه تا تلاش فعالانه برای سازگار شدن با زندگی پس از شکست است. فرد کارآفرین بازیابی کننده زندگی خود است. بازیابی بر بازگشت به قبل از شکست یعنی توانایی سازگاری و برگشتن از حالت نامطلوب تاکید دارد. توانایی بازیابی به تلاشهای فرد و البته عوامل مورد بحث در یافته های این پژوهش بستگی دارد. بنابراین نکته قابل تامل در بازیابی این است که نباید به قدرت بازیابی فرد بدور از سایر عوامل نگرست بلکه به اهمیت خانواده، تعاملات اجتماعی و اعتقادات مذهبی می بایست توجه ویژه ای نمود.

در کنار بازیابی، یادگیری پلی است از غم و اندوه اولیه به اقدام مجدد کارآفرینانه. یادگیری قسمت نهایی تجربه پس از شکست را رقم می زند که نتیجه نهایی بازیابی است خروجی آن الگوهای جدیدی برای ساخت زندگی را بدست می دهد. با شروع بازیابی لکه های زندگی فرد به آرامی محو شده و همزمان با یادگیری غم و اندوه شروع به کم شدن می کند همزمانی یادگیری و بازیابی و هم افزایی این دو مبحث موجب افزایش سرعت بازیابی و همچنین یادگیری در فرد می شود. همان لکه های حاصل از آسیب در زندگی فرد بتدریج تبدیل به نقاط روشنی می شوند زیرا او موفق به بازیابی و ترمیم آنها شده(بازپرداخت بدهی، تامین هزینه های فردی، کسب اعتبار و بهبود روابط) و همین نقاط روشن است که فرد را در مسیر دستیابی به اهدافش قرار داده منجر به

- [27] Singh Smita, (2011), **Experincing and Learning from Entrepreneurial Failure**, Ph. D. thesis, The University of Waikato.
- [28] Singh, S., Corner, P. and Pavolvich, K. (2007), **Coping with Entrepreneurial Failure**, Journal of Management and Organization, 13(4), 331-344.
- [29] Stearns, T.M. & Hills, G. E. (1996). **Entrepreneurship and New Firm Development: A Definitional Introduction**. Journal of Business Research, 36(1), 1-4
- [30] Sullivan, R. (2000). **Entrepreneurial Learning and Mentoring**. International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, 6(3), 160-175
- [31] Taylor, S. J., & Bogdan, R. (1998). **Introduction To Qualitative Research Methods: a Guidebook and Resource**. New York: Wiley
- [32] Ucbasaran,D., Shepherd, A., Lockett, Lyon (2013), **Life after Business Failure: The Process and Consequences of Business Failure for Entrepreneurs**, Journal of Management, Vol. 39,pp163-201
- [33] Warren, L. (2004). **A Systemic Approach to Entrepreneurial Learning**, Systems, Research and Behavioural Science, 21(1), 3-16. doi:10.1002/sres.543
- [34] Wiklund, J., Baker, T., & Shepherd, D. 2010. **The Age Effect of Financial Indicators as Buffers Against the Liabilities of Newness**. Journal of Business Venturing, 25: 423-437.
- [35] Zacharakis, A. L., Meyer, G. D., & DeCastro, J. (1999). **Differing Perceptions of New Venture Failure: A Matched Exploratory Study of Venture Capitalists and Entrepreneurs**. Journal of Small Business Management, 37(3), 1-14
- [19] Parker, S. C. (2006). **Learning About the Unknown: How Fast Do Entrepreneurs Adjust Their Beliefs?** Journal of Business Venturing, 21(1), 1-26. doi:10.1016/j.jbusvent.2004.07.00
- [20] Patton, M. Q. (2009). **Qualitative Research and Evaluation Methods (3rd Ed.)**. Thousand Oaks, CA: Sage
- [21] Politis, D. (2008). **Does Prior Start-Up Experience Matter for Entrepreneurs' Learning?** A comparison between novice and habitual entrepreneurs. Journal of Small Business and Enterprise Development, 15(3), 472-489. doi: 10.1108/14626000810892292
- [22] Politis, D., & Gabrielsson, J. (2009). **Entrepreneurs' attitudes towards failure: An Experiential Learning Approach**. International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research, 15(4), 364-383. doi: 10.1108/13552550910967921
- [23] Schutjens, V., & Stam, E. 2006. **Starting anew: Entrepreneurial Intentions And Realizations Subsequent To Business Closure. Growth And Public Policy Discussion Paper 1006**, Max Planck Institute for Economics Entrepreneurship, Jena, Germany.
- [24] Shepherd, D. A. (2003). **Learning from business failure: Propositions of Grief Recovery for the Self-Employed**. The Academy of Management Review, 28(2), 318-328
- [25] Shepherd, D. A., & Haynie, J. M. 2011. **Venture Failure, Stigma, and Impression Management: a Self-Verification, Self-Determination View**. Strategic Entrepreneurship Journal , 5(2): 178-197
- [26] Shepherd, D. A., Wiklund, J., & Haynie, J. M. 2009. **Moving Forward: Balancing the Financial and Emotional Costs of Business Failure**. Journal of Business Venturing, 24(2): 134-148.